

## شهيد مرزوق ريحاني



سامانه جامع سرداران و دو هزار شهيد استان بوشهر

نام پدر	محمود
تاریخ تولد	۱۳۱۸/۰۳/۰۳
محل تولد	بوشهر - دیلم
تاریخ شهادت	۱۳۶۱/۰۷/۳۰
محل شهادت	بهرگان
مسئولیت	-
نوع عضویت	سایر (بمباران)
شغل	-
تحصیلات	دوره ابتدایی
مدفن	دیلم

## زندگینامه

### زندگینامه شهید

شهید مرزوق ریحانی در بخش اروند کنار در یک خانواده مذهبی و کم درآمد به دنیا آمد و مانند اکثر فرزندان آن دیار دوران کودکی را با تمام کمبودها به فراگیری قرآن گذراند. مرزوق همانند دیگر همسالان خود در سن هفت سالگی راهی مدرسه شد و در دبستان اروند تا ششم نظام قدیم درس خواند ولی بر اثر ضعف مالی که خانواده پر جمعیت آنها داشت مجبور به ترک تحصیل شد و همراه با پدر و دیگر افراد خانواده جهت امرار معاش به کار و کوشش پرداخت که در سالهای اولیه عمده کار آنها کاشت و نگهداری از نخيلات بود. از سن ۱۷ سالگی به شغل ماهیگیری روی آورد و تا زمان خدمت سربازی به آن کار مشغول بود و بعد از گذراندن دوران سربازی باز هم به همان حرفه ماهیگیری و کار کردن روی موتورلنج روی آورد. در سال ۱۳۵۰ ازدواج کرد تا اینکه در سال ۵۹ که جنگ تحمیلی بر علیه کشورمان شروع شد از هیچگونه تلاش و کوششی در راه ناکام ماندن نیروهای دشمن و کمک کردن به نیروهای اسلام دریغ نورزید. با گسترش تهاجمات نیروهای عراقی به مرزهای کشور و بسته شدن راه ارتباطی آبادان به دیگر شهرها، شهید ریحانی به همراه خانوادها از طریق دریا خود را به بندر امام خمینی رسانید و بعد از اسکان موقت خانواده به همراه برادر و عمو و دیگر لنجداران، لنجهای خود را برای جابجایی و کمک رسانی به نیروهای رزمنده از بندر امام خمینی به آبادان و همچنین رساندن مردم بی دفاع از آبادان به بندر امام منتقل کردند. بعد از شکست حصر آبادان و سپردن مهمات به نیروها شهید ریحانی هم مانند بعضی از افراد دیگر به فعالیت در پشت جبهه پرداخت تا اینکه در بامداد روز ۳۰/۷/۶۱ بر اثر اصابت مین به قایق آنها به درجه رفیع شهادت نائل آمدند.

## وصیت نامه

قسمتی از وصیت نامه شهید :

همسر و فرزندم اگر رفته باشم برای حفظ اسلام و دفاع از دین مقدس اصلاً ناراحت نباشید در این دنیا خدا بر روی پیشانی هر کسی چیزی نوشته و هر کسی در این دنیا سهم موقتی دارد و این دنیا دائمی نیست و هر کسی تقدیری دارد که خدا برای او خواسته است و اگر خدا خواسته باشد پیروز می شویم و بر می گردیم اگر افتخار شهادت را داشته باشیم باز هم پیروزیم .

قطعه شعری از پدر شهید :

بر تو ای دریا دو صد نفرین جوانم را گرفتی

گشت تنهایی مرا چون همزمانم را گرفتی

به امید ساحلم بردی به گردابم فکندی

گشتی ما را شکستی باد بانم را گرفتی

ماه سیمای جوانی داشتم در شام پیری

ای دریغا ماه سیمای جوانم را گرفتی

نور چشمم بود و یار نازنین مهربانی

نور چشمم را ربودی مهربانم را گرفتی

## خاطرات

روحیات معنوی و تقیدات مذهبی :

شهید مرزوق فردی مؤمن و صبور بود و در انجام فرائض دینی بسیار کوشا و نسبت به نماز اول وقت خیلی حساس بود. اخلاق و رفتارش برای همه الگو و هرگز دروغ نمی گفت. به خواندن قرآن و توسل به ائمه علاقه زیادی نشان می داد. گشاده رو و خوش اخلاق بود و در کارهای منزل به همسرش کمک می کرد و همیشه برای کارهای سخت داوطلب می شد.

گفتگو با تنها فرزند شهید :

پدر و مادر من در سالهای اولیه زندگیشان صاحب فرزند نمی شدند و من تنها ثمره این زندگی مشترک هستم پدرم به دلیل شدت علاقه ای که به بچه داشت بعد از باردار شدن مادرم بسیار شکر این نعمت را می کند. موقع وضع حمل مادرم او دریا بودند که من به دنیا آمدم دایی ام به استقبال ایشان می روند تا این خبر را به او بدهند پدرم او را در بغل می گیرد و غرق بوسه می کند به خانه که می آید به مادرم تبریک می گوید و مرا در بغل گرفته و می بوید و شکر میکند و می گوید : به برکت نام حضرت زهرا (س) نام او را زهرا می گذارم تا حافظ او باشد .

پدرم در کارهای خانه خیلی به مادرم کمک می کرد و وقتی که بیمار می شد از ایشان مراقبت می کرد، نه تنها به مادرم بلکه به همه چه در خانه یا بیرون احترام می گذاشت او همیشه نسبت به زیر دستانش دلسوز بود و از جمله صفات او امانتداری او بود و همیشه امین دیگران بود .

گفتگو با پسر عموی شهید :

پسر عمویم مرزوق فردی متدین و شجاع بود در تمام محرم و صفر به احترام امام حسین (ع) لباس سیاه بر تن داشت و به عزاداران خدمت می کرد عضو هیأت زنجیر زنی بود . رابطه قلبی بسیار نزدیک با خدا داشت و همین باعث علاقه زیاد دیگران به او شده و نمونه باز این حدیث بود که آنچه برای خود می پسندید برای دیگران نیز پسندید .



سامانہ جامع سرداران و دوہزار ششمیہ استان بوٹھر